

لابی‌رانت

در باب فواید کرونا برای متولیان دولتی
هنر و فرهنگ

سپر پربرکت کرونا

لیلا موسی زاده

«کاسبان تحریم» واژه پرسمما و شایسته‌ای بود بر کسانی که منفعت دوران تحریم‌های سخت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و پزشکی را به صورت انحصاری بردند و نه تنها متحمل هزینه‌های سخت زندگی نشدند بلکه کسب و کارشان رونق شدیدی یافت آن چنانکه طبقه جدیدی از نوکیسه‌های یک‌شبه رده‌صدساله پیموده پیدا شدند که رنج مردم شادی آنها بود و رونق در آمدشان؛ در حالی که نفعی برای مردم متضرر از تحریم‌ها و کشور نداشتند. منفعتی که در مضیقه اقتصادی برای چند نفر خاص مهیا شد و به سود آنها تمام شد. حال در این روزگار شیوع بیماری کرونا هم گرچه اغلب گرفتار شرایط تحمیلی و تحمل رنج این بیماری هستند اما کسانی هستند که از فرصت پیش آمده در بهره‌برداری هر چه بیشتر در تلاش اند و می‌کوشند از سکوت قرنطینه به نحو احسن استفاده کنند. این شرایط حوزه موسیقی هم همانند سایر حوزه‌هاست. دفتر موسیقی وزارت ارشاد نیز که یک جشنواره خلوت را با بسیاری از تخلفات آیین‌نامه‌ای برگزار کرده است اکنون در این فرصت دیگر نیازی به برگزاری جلسه مطبوعاتی دوره برگزار شده نمی‌بیند هر چند از رفتار این دفتر در زمان برگزاری جشنواره نیز پر مشخص بود که علاقه‌ای به برگزاری نشست‌فقدور بر روی جشنواره بر گزار شده با حضور اهالی رسانه و علاقه‌مندان و موزیسین‌ها ندارد و بهتر می‌بیند در گرده خبرنگاران مورد عنایت خود به ار سال یک‌طرفه اخبار و رویدادها بپردازد. از جمله نشست‌هایی که به منظور پیشنهاد تغییر آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر برگزار شده است.



کسی از محتوی این نشست‌ها و مفاد و موارد پیشنهادی جهت تغییر آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر خبری ندارد و در این روزها که به سبب قرنطینه خانگی و رعایت مسائل بهداشتی حداقل رفت و آمد ممکن است هیچ اثری از انتشار محتوای پیشنهادی آیین‌نامه بر وب‌سایت وزارت ارشاد و دلایل تغییرات آیین‌نامه نیست. آیین‌نامه‌ای که در تعامل با موزیسین‌ها و به همت موزیسین‌های فعال و قانونمند به انجام رسید اکنون در فرصت طلایی پیش آمده از بیماری کرونا به دست مدیران دفتر موسیقی دستخوش تغییراتی می‌شود که مشخص است آن تغییرات به نفع فعالان صنفی موسیقی و منتقدین وضعیت صنفی نخواهد بود همان‌گونه که انتخاب موزیسین‌های مورد نظر دفتر موسیقی در شورای ارزشیابی جشنواره موسیقی فجر نشان داد که ایشان برخلاف تمامی انتقادات و اعتراض‌ها به برخی نقراتی که در نابسامانی فضای صنفی موسیقی کوشیده‌اند علاقه بسیاری دارد و اکنون نیز با مشورت همان‌ها در صدد تغییر آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر است. تا هر چه بیشتر به دست‌هایی در جامعه موسیقی کمک کند که در این چهار دهه کم موزیسین‌ها از آنها متضرر نشده‌اند.

و اینجاست که باید گفت قرنطینه و شرایط شیوع بیماری کرونا به برخی کمک بسیاری در پیشبرد اهدافشان کرده است تا شرایط را به نفع خود بی‌سروصدا و در سکوت خبری تغییر دهند. و متأسفانه این مسائل در جایی اتفاق می‌افتد که داعیه فرهنگ و هنر و اعتدالی آن را در این چهل ساله داشته است اما حتی برای دو سال هم آیین‌نامه جشنواره موسیقی فجر رانته‌انسته به نحو شایسته اجرا کند و حالا در صدد تغییر آن است تا مثل سابق یک جشنواره پراعتراض از جانب موزیسین‌های مستقل را شاهد باشیم و تنها کسانی منفعت جشنواره بدان‌ها برسد که در این چهل ساله از آن بی‌نصیب نبوده‌اند.

کتاب «سلفژ، تئوری موسیقی» / «تربیت شنوایی، ریتم و دیکته» در مراکز آموزشی دنیا شناخته شده است و اکنون زمان آن است که مراکز آموزشی ما هم به بصیرت و امکانات تازه‌ای که این کتاب در اختیار می‌گذارد خوش آمد بگویند و از آن بهره‌مند شوند

که هنر جو از لحاظ نظری ساختمان مدهای مسیابان را یاد می‌گیرد، در تمرین‌های سلفژ و دیکته هم در عمل با آنها برخورد می‌کند و درک و دریافت ساختاری آنها در متن یک قطعه حقیقی موسیقی نیز در ذهنش حک می‌شود. این چیزی است که در شکل سنتی جداجدا آموختن میانی موسیقی به ندرت برای یک هنر جو اتفاق می‌افتاد. آنجا اگر اصلاً مباحثی مثل مدهای مسیابان در تئوری موسیقی مطرح می‌شد هرگز مابه‌ازایی در درس سلفژ پیدا نمی‌کرد. حتا اگر بر فرض محال هم چنین مباحثی در درس سلفژ چنان با درس تئوری مطرح نمی‌شد یا اگر می‌شد دست کم ارتباطشان از این کلاس تا آن کلاس بین لحن و بیان احتمالاً متفاوت و هنرآموز تکه‌پاره می‌شد و در نهایت هنر جو هرگز به شکل منسجم ارتباط اینها را نمی‌آموخت.

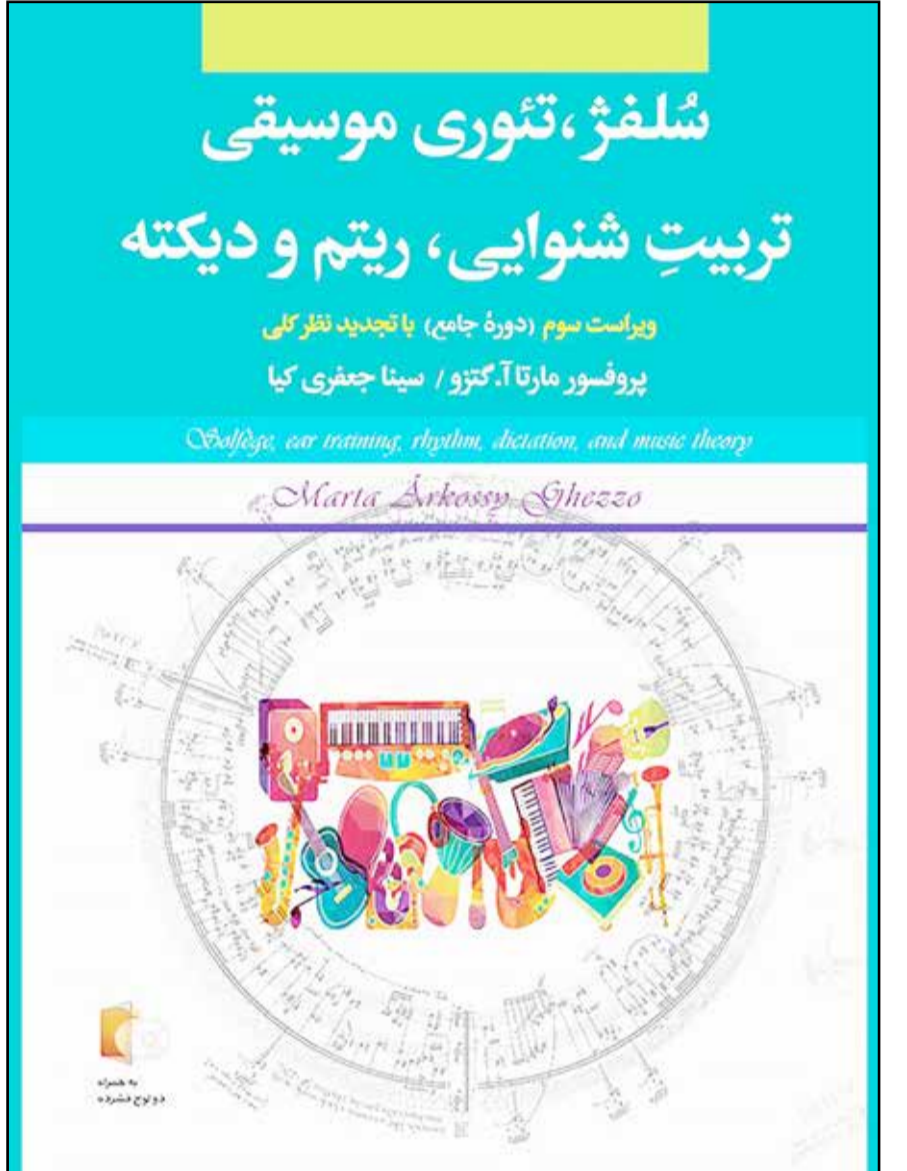
به دلیل همین کیفیت‌هاست که کتاب در مراکز آموزشی دنیا شناخته شده است و حتی ویراست دومش ویراستی مختص نسخه گره‌ای کتاب است (به سال ۲۰۰۰). اکنون زمان آن است که مراکز آموزشی ما هم به بصیرت و امکانات تازه‌ای که این کتاب در اختیار می‌گذارد خوش آمد بگویند و از آن بهره‌مند شوند.

(۱۱ درس) و بخش چهارم سیستم آتنال (۵ درس) مبانی موسیقی را تکمیل می‌کند و پرده از همین تفکر تاریخی مؤلف برمی‌دارد. این ویژگی را به ندرت می‌توانیم در کتاب‌های تئوری موسیقی یا سلفژ پیدا کنیم زیرا همان‌طور که اشاره شد این درس‌ها از نظر خیلی‌ها تاریخی نیست یا اگر هم هست روند تاریخی‌اش در آموزش اهمیتی ندارد. اضافه بر بدنه اصلی (همان چهار بخش) کتاب ضمیمه‌های پرویمیانی هم دارد که حتی اگر درس‌ها را نآید بگیریم جداگانه با ارزش است. فصلی از تمرین‌های سلفژ با کلیدهای دو و با تعویض کلید، به‌زای هر بخش یک مجموعه نمونه موسیقی تکمیلی (با شروع از سارا باند کرلی تا ولومینای لیگنی) و در نهایت دو لوح فشرده که ضبط شده، از ضمیمه‌های ارزش کتاب مارتا گتزو است. هنر جو بی که از این کتاب استفاده می‌کند نه تنها از روند تاریخی و تکاملی درس‌ها بهره می‌برد بلکه اگر کنج‌کاو و جدی باشد می‌تواند با دیدن نمونه‌های بیشتر و پارتیتور قطعاتی از دوره‌های مختلف موسیقی، چیزهای بیشتری فراگیرد. نمونه‌های صوتی هم‌راه که بر طبق نظر مؤلف (شنیدن ساختار موسیقی از خلال رنگ‌های صوتی مختلف) در اختیار داریم، هم در کتاب و هم در تمرین‌ها به زمان حضور در کلاس یا زمان تمرین‌ها با هم‌کلاسی‌ها محدود نشود.

ترکیب سازمان‌دهی ویژه مطالب کتاب و طرز انتخاب نمونه‌های سلفژ و دیکته، علاوه بر این که مهارت اجرایی هنر جو را بهبود می‌بخشد در عمل باعث نتایج ضمنی دیگری هم می‌شود. اگر بحث‌های نظری مطرح‌شده در متن را، به روند اضافه کنیم روشن‌است که آموختن بر اساس روش پیشنهادی گتزو تحلیل پایه‌ای موسیقی را نیز به هنر جویمان می‌آموزد. برای مثال در همان زمان

سوم کتاب «سلفژ، تئوری...» (به سال ۲۰۰۵) که نسبتاً به تازگی با ترجمه سینا جعفری کیا در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان قرار گرفته است کاملاً این تصورهای معمول هنر جوها و هنرآموزها را به هم می‌ریزد و ما را با تلقی به‌روزی از تدریس میانی موسیقی آشنا می‌کند. نوشته مارتا گتزو استاد وقت کالج لیمن در نیویورک یک کتاب مناسب تدریس در دانشگاه یا مراکز حرفه‌ای آموزش است که در قالب ۵۱ درس (احتمالاً قابل برنامه‌ریزی برای دو نیم‌سال تحصیلی) مواد درسی میانی موسیقی را با هم تلفیق و همگام کرده است. هر درس یک یا چند نکته تئوری موسیقی، چند تمرین شنوایی، چند تمرین ریتم، و تمرین‌هایی برای دیکته موسیقی دارد. به علاوه جابه‌جا نکات تاریخی درباره فرم‌ها و... و به ندرت هم نکاتی از مترجم می‌خوانیم. همه اینها مخصوصاً تمرین‌های سلفژ که با هوشمندی مؤلف غنای موسیقایی بسیاری دارد، به نحوی در کنار هم قرار گرفته که نه تنها هنر جو را در راه تبدیل شدن به یک موسیقیدان حرفه‌ای یاری می‌کند بلکه حتی به هنرآموزان، بینشی تازه درباره مبانی موسیقی می‌بخشد.

هم درک تاریخی و هم چیدمان مطالب، از آسان به سخت به قصد هم‌راهی با روند رشد هنر جو را می‌توان در سازمان‌دهی کتاب به روشنی دید. تنها کافی است یک نگاه ساده به فهرست بیندازیم و ببینیم یک کتاب مبانی موسیقی از درسی درباره مقدمات نت‌نویسی/نت‌خوانی شروع شده و در پایان به درسی درباره نت‌نویسی گرافیکی در موسیقی آلتئاتوری (موسیقی تصادفی) رسیده است. عنوان بخش‌های اصلی کتاب نیز روند تاریخی کتاب را تا حد زیادی تأیید می‌کند. روندی که با گذر از بخش نخست سیستم نتال (۳۱ درس)، بخش دوم سیستم کروماتیک (۴ درس)، بخش سوم سیستم مدال



شنوایی (و به درجات کم‌تری سلفژ و وزن خوانی و دیکته) به میان می‌آید. تصویری غیر تاریخی از آنها داریم. مثلاً برای بیشتر مان تئوری موسیقی یک مجموعه قواعد اولیه موسیقی است که از مقدمات نت‌خوانی شروع می‌شود و تا آکوردشناسی می‌رسد و دانستنش هیچ ارتباطی هم به گونه یا سبک موسیقی ندارد. اما ویراست

مبانی موسیقی یعنی سلفژ و تربیت شنوایی و دیکته موسیقی وزن خوانی را به شکل کلاس‌های جداگانه به شاگردانمان درس بدیم. شاگردا هم عادت کرده‌اند این درس‌ها را حتی پیش معلم‌های مختلفی بخوانند و خیلی وقت‌ها نه همگام و هم‌زمان با هم. از این گذشته بیشتر اوقات وقتی پای تئوری موسیقی و تربیت

کتاب «سلفژ، تئوری موسیقی، تربیت‌شنوایی، ریتم و دیکته» یک «دوره جامع» مبانی موسیقی است اما نه آن‌طور که در ایران مبانی موسیقی (منظورم موسیقی کلاسیک غربی است) را می‌شناسیم. ما در ایران اغلب عادت کرده‌ایم مواد مختلف

دنگ و دنگ

کنسرتی که از زنده بودن خارج شد

کنسرت آنلاین یا مخاطب آنلاین پخش فیلم کنسرت؟



سینا باری

سخنانی به زبان آورد که نشان داد شهر داری چنانچه در جایگاه ممیزی قرار بگیرد بسیار رعب‌آور عمل می‌کند. اگر چه در امور شهری کوتاهی‌ها و سهل‌انگاری‌های بسیار دارد، اما برای موسیقی شمشیر تیزی برای کشیدن دارد. آن شب شهر داری بالاخره در برابر هجوم افکار مخاطبان پذیرفت که کنسرت در ساعتی دیگر ادامه باید و مهمان شریفیان هم روی سن حضور پیدا کند اما شبهه‌ای پیش آمد که چرا بلافاصله ادامه کنسرت از سر گرفته نشد و با یک ساعت و اندی تأخیر دوباره پخش شد؟ شبهه‌ای که غیرزنده بودن کنسرت را متذکر می‌شد اما هیچ پرسشگری آن را به زبان نیاورد و در رسانه‌ها نیز چنین تأملی طرح نشد تا صرفاً همگان به تقدیر و تشکر و ستایش امر بپردازند آن هم در جایی که صداسوسیما به عنوان سهامدار شرکت تیوانوا مجری پخش آنلاین کنسرت‌هاست. اگر چه در این مدت سعی شده تنها سخن از آنلاین بودن پخش کنسرت‌ها مطرح شود اما دور از ذهن نیست که این اجراها در فیلم برداری و پخش مهندسی شوند و با نظر کارگردان

خواهد نواخت. و در انتهای اجرای قطعه ساری گلین آن را به قطعه پر جنب‌وجوش فریدم وصل کرد تا لحظاتی شاد را در کنسرت فراهم آورد. پس از آن احتشامی آخرین قطعه را برای نواختن معرفی کرد که ترک اول آلبوم «باغ رویاها» است که ۱۵-۱۶ سال پیش آن را منتشر کرده و این قطعه در شوشتری نواخته شده است. در دقایق پیش از اجرای این قطعه، وقفه‌ای در اجرای زنده پیش آمد، سپس پخش اجرا دوباره از وسط اجرای قطعه ضری «فریدم» آذری پخش و تکرار شد. حتی دوباره سخنان

سامان احتشامی که دقایقی پیش در معرفی آخرین قطعه برای اجرا عنوان کرده بود پخش و تکرار شد و مشخص شد برنامه از حالت زنده خارج شده و فیلم آن چند دقیقه دیرتر پخش می‌شود. دیگر کنسرت آنلاین زنده نیست و تنها مخاطبان آنلاین هستند و به جای اجرای زنده، فیلم کنسرت را می‌بینند. این‌گونه اختتام برنامه کنسرت آنلاین سامان احتشامی و عمران فروزش رقم خورد. تیوانوا، شرکت فنی مجری پخش آنلاین کنسرت‌ها، هیچ توضیحی درباره این وقفه فنی و تکرار فیلم اجرا از دقایقی قبل نداد.

